

وحدت در کثرت

شراره ذبیحیان

مقدمه

"تعالیم و قوانین حضرت بهاءالله با هیچ تابعیت و سرسپردگی مشروعی تناقض ندارد و وفاداریهای صادقانه را تضعیف نمی‌کند. مقصدش آن نیست که شعله وطن‌دوستی سالم و خردمندانه را در دل‌های مردمان خاموش سازد یا نظام خودمختاری ملی را از میان بردارد، زیرا هم با آفت مرکزیت افراطی در اداره امور و هم با متحدالشکل و یکنواخت بودن شئون عالم مخالف است. کلید رمزش شعار وحدت در کثرت است. چنانکه حضرت عبدالبهاء میفرماید: «ملاحظه نمائید گلهای حدائق هر چند مختلف‌النوع و متفاوت‌اللون و مختلف‌الاصور و الاشکالند، ولی چون از یک آب نوشند و از یک باد نشو و نما نمایند و از حرارت و ضیاء یک شمس پرورش نمایند آن تنوع و اختلاف سبب ازدیاد جلوه و رونق یکدیگر گردد.»" (ترجمه نظم جهانی، ص ۵۷)

آئین بهائی تفاوت در نژاد، آب و هوا، تاریخ، زبان و سنت، طرز فکر و عادت که ملل و نحل عالم را گونه‌گون ساخته نادیده نمی‌گیرد و در صدد محو و نابودی آنها بر نمی‌آید. منادی وفاداری وسیع‌تر و آمالی گسترده‌تر از آنچه تاکنون نسل بشر را الهام بخشیده می‌باشد. تأکید بر آن دارد که منافع و انگیزه‌های ملی باید تابع احتیاجات مبرم جهانی متحد شود.

از سوی دیگر حضرت عبدالبهاء می‌فرماید:

"از جمله وقایع جسيمه که در يوم ظهور آن نهال بیهمال وقوع خواهد یافت، علم الهی به جمیع امتها بلند خواهد شد، یعنی جمیع ملل و قبائل در ظل آن علم الهی که نفس آن نهال ربانی است درآیند و ملت واحد گردند و ضدیت دینیه و مذهبيه

و مابینت جنسیه و نوعیه و اختلافات وطنیه از میان برخیزد. کلّ دین واحد و مذهب واحد و جنس واحد و قوم واحد شوند و در وطن واحد که کره ارض است ساکن گردند." (مفاوضات، ص ۵۱)

این دو بیان مبارک ممکن است متناقض به نظر برسند، زیرا بیان حضرت عبدالبهاء بیشتر بر وحدت و بیان حضرت ولی امرالله بیشتر بر کثرت تأکید دارد. در این مقاله سعی بر آن است که با درک بیشتر معنای وحدت در کثرت عدم تناقض این دو بیان مبارک آشکار گردد.

دو جنبه اعتقادی و عملی وحدت عالم انسانی

حضرت عبدالبهاء در توضیح مفهوم وحدت عالم انسانی می فرماید:

"وحدت عالم انسانی، یعنی جمیع بشر کلّ مشمول الطاف جلیل اکبرند. بندگان یک خداوندند و پرورده حضرت ربوبیت. رحمت شامل کلّ است و تاج انسانی زینت هر سری. لهذا باید جمیع طوائف و ملل خود را برادر یکدیگر دانند و شاخ و برگ و شکوفه و ثمر شجره واحد شمرند، زیرا جمیع سلاله حضرت آدمند و لثالی یک صدف." (خطابات، ج ۱، ص ۳۱)

با توجه به این بیان مبارک و بسیاری از بیانات دیگر به همین مضمون، چنین به نظر می رسد که وحدت عالم انسانی به معنای اعتقاد به برابری و برادری انسانهاست و البته چنین است. اما باید دانست که این تعلیم مبارک از حیثه باور و اعتقاد فراتر می رود و به حیثه عمل درمی آید، چنانکه حضرت ولی امرالله مقصد اقصای امر حضرت بهاءالله را "اتحاد صوری و معنوی" اهل عالم، هر دو، دانسته اند و می فرمایند:

"مگذارید اشتباه شود که اصل وحدت عالم انسانی که محور جمیع تعالیم حضرت بهاءالله است صرفاً منبعث از اظهار احساساتی ناسنجیده و بیان امیدی مبهم و نارسا است. و نباید آن را منحصرأ ناشی از آرزوی احیاء روح اخوت بشری و خیرخواهی بین مردم انگاشت و هدفش را فقط در این دانست که بین افراد بشر و ملل و اقوام تعاون و تعاضدی

حاصل گردد، بلکه مقصدش بسیار برتر و دعویش بسیار عظیم‌تر از آنست ... پیامش فقط متوجه افراد نیست، بلکه به روابط ضروری‌ای نیز مربوط میشود که ممالک و ملل را بهم پیوند میدهد و عضو یک خانواده بشری می‌نماید و چنان نیست که فقط مرامی را اعلان کرده باشد، بلکه با تشکیلات و مؤسّساتی همراه و پیوسته است که آن تشکیلات حقیقت ذاتی اصل وحدت عالم انسانی را تجسّم می‌بخشد و صحت و اعتبارش را نمایان و تأثیر و نفوذش را جاودان می‌کند. و نیز مستلزم آنست که در بنیان جامعه کتونی تغییراتی حیاتی (ارگانیکی) صورت پذیرد ... بلی اصل وحدت عالم انسانی خواهان تجدید بنیان جامعه و طالب خلع سلاح کشورهای متمدّن جهان است ... ندایش را نمی‌توان صرف احیای روح برادری و خیراندیشی در بین انسانها پنداشت و نیز هدفش را منحصرأً تحکیم و تقویت تعاون و تعاضد بین ملل و نحل انگاشت ... پیامش نه تنها برای افراد است، بلکه توجه بدان دسته از روابط ضروریه دارد که ملل و دول را بمثابه اعضای يك خانواده انسانی با یکدیگر ائتلاف و اتحاد می‌بخشد. آیین بهائی فقط ابلاغ فکری مطلوب و عالی نیست، بلکه با مؤسّساتی پیوستگی جداناپذیر دارد که آن قابلیت و لیاقت را داراست تا حقیقت آن را مجسّم و مصوّر سازد، ارزش و اعتبار آن را مدلل دارد و نفوذ و تأثیرش را مخلّد سازد و دلالت بر تغییر و تبدیلی منظم در ترکیب هیأت اجتماعی عصر حاضر دارد ... آیین بهائی منادی تجدید بنای عالم و خلع سلاح همه دنیای متمدّن است." (ترجمه نظم جهانی، صص ۵۹-۶۰)

حال که با زیارت این بیان مبارک دانستیم وحدت عالم انسانی نه تنها يك اصل اعتقادی است، بلکه يك پدیده محسوس اجتماعی نیز هست، می‌کوشیم تا این پدیده اجتماعی را آنگونه که بنیانگذاران امر بهائی به تصویر کشیده‌اند مجسم نماییم.

مراحل تدریجی تحقق وحدت عالم انسانی

نکته‌ای که جا دارد به آن اشاره شود و در مطالعه آثار مبارکه در مورد وحدت عالم انسانی (و به طور کلی نظم بدیع) همواره باید مد نظر باشد این است که چون تحقق وحدت عالم انسانی سیری تدریجی دارد و هر مرحله آن مشخصاتی متفاوت با سایر مراحل خواهد داشت، بنابر این بیانات مبارکه‌ای که در باره هر یک از این مراحل باشد با بیانات ناظر به مراحل دیگر لزوماً تفاوت‌هایی خواهد داشت. در بیانات مبارکه مربوط به مراحل اولیه، تأکید بیشتری بر کثرت شده است و در بیانات مبارکه مربوط به مراحل آخر بیشتر بر وحدت تأکید فرموده‌اند، و برای ایجاد تصوّر صحیحی از واقعیت، فرد بهائی باید مجموعه این بیانات مبارکه را مورد توجه و تعمق قرار دهد.

سه مرحله وحدت سیاسی، وحدت اوطان، وحدت اصلیه

حضرت ولی‌امرالله در باره چگونگی تحقق هدف نهائی دیانت بهائی چنین می‌فرمایند:

"این نتیجه نهائی طبیعتاً عبارت از یک سلسله وقایع تدریجی خواهد بود که به فرموده حضرت بهاءالله باید ابتدا به استقرار صلح اصغر منجر شود، همان صلحی که ملل ارض که بی‌خبر از ظهور او مبادی عمومی نازله‌اش را ندانسته اجرا می‌کنند خودشان آن را مستقر خواهند ساخت. این اقدام عظیم و تاریخی که متضمن تجدید بنیان نوع بشر است و در نتیجه اعتراف عموم به وحدت و جامعیت نوع انسانی حاصل می‌شود به نوبت خود به بیداری حسّ روحانیت جمهور منجر خواهد شد و این نیز نتیجه معرفت مقام و شناسایی دعاوی امر حضرت بهاءالله است که شرط ضروری امتزاج نهائی تمام اجناس و مذاهب و طبقات و ملل می‌باشد و این امتزاج نیز نظم بدیع جهانی حضرتش را باید اعلام دارد." (قد ظهر یوم المیعاد، ص ۱۹۷)

چنانکه ملاحظه می‌شود حضرت ولی‌امرالله سیری تدریجی را در تحقق وحدت عالم انسانی و استقرار نظم بدیع الهی پیش‌بینی می‌فرمایند و به بعضی از آن

مراحل نیز اشاره می‌فرمایند که بعد با تفصیل بیشتری به آنها خواهیم پرداخت. همچنین در بعضی از توابع مبارکه سیر تدریجی اتحاد ایالات متحده آمریکا را به عنوان مثالی برای وقایعی که در سطح جهانی به وقوع خواهد پیوست مطرح فرموده‌اند.^۱

جناب علی نخجوانی بر اساس توابع انگلیسی حضرت ولی‌ام‌الله توضیحاتی ارائه فرموده‌اند که برای درک بیانات مبارکه فوق بسیار مفید است:

"این مسئله وحدت را حضرت ولی‌ام‌الله باز در آثار خودشان به انگلیسی شرح می‌دهند. می‌فرمایند که مرحله اولش اتحاد سیاسی است. به انگلیسی می‌فرمایند union. شرح می‌دهند که این مثل union ایالات متحده آمریکا است که در مراحل اولیه به صورت فدرال نبود، به صورت کان‌فدرال confederal بود. این اصطلاحات سیاسی امروزه است و فرق هست بین فدرال و کان‌فدرال. این اتحاد مبدل می‌شود به وحدت اوطان. از اتحاد به وحدت، از union به unity، می‌رسد و این وحدت اوطان مبدل می‌شود به وحدت اصلیه. وحدت اصلیه را در انگلیسی می‌فرمایند fusion، ائتلاف و امتزاج، نه فقط اتحاد و نه فقط وحدت اوطان، بلکه همبستگی و هم‌آمیختگی و یکپارچگی و وحدت کامل اصلی اساسی. در اصطلاحات فارسی مبارک وحدت اصلیه با وحدت اوطان فرق دارد و وحدت اوطان با اتحاد سیاسی فرق دارد." (پیام بهائی، ش ۱۵۲، صص ۳۰-۳۱)

اکنون با تفصیل بیشتری به این سه مرحله توجه می‌کنیم.

۱- وحدت سیاسی

وحدت سیاسی یا صلح اصغر^۲ که در اثر انقلابات و آشوبهای جهانی، توسط دول عالم برقرار خواهد شد، به صورت انعقاد معاهده‌ای به منظور جلوگیری از جنگ خواهد بود. این مرحله مشابه مرحله اول تشکیل ایالات متحده آمریکا است که

سیزده مهاجرنشین موجود در آن زمان برای مبارزه با مالیات‌هایی که انگلستان بر آنها وضع کرده بود، علی‌رغم همه تفاوت‌هایی که از نظر ریشه ملی، مذهب، آداب و رسوم و غیرها داشتند، در سال ۱۷۷۴ اقدام به تشکیل کنگره‌ای نمودند که بنا بر مواد معاهده‌ای که بسته بودند کار می‌کرد. این کنگره چیزی بیش از مجلس بحث و مشاوره نمایندگان حکومت‌هایی متفاوت نبود و قدرت اجرایی نداشت؛ مثلاً نمی‌توانست کنترلی بر بازرگانی خارجی کشورها داشته باشد یا مالیات وضع کند یا با دیگر کشورها پیمانی ببندد یا در اختلافات بین کشورهای متحد داوری کند و حکم خود را اجرا نماید. بدیهی است که چنین وضعی نمی‌توانست دوام داشته باشد و به زودی مرحله دیگری آغاز شد. (کلیات تاریخ ولز، صص ۱۰۴۷-۱۰۶۶)

۲- وحدت اوطان

وحدت اوطان یا حکومت فدرال جهانی مرحله‌ای است که يك جامعه مشترک‌المنافع بین‌المللی که دارای حکومت جهانی مرکزی مافوق حکومت ملی است به وجود آید. حضرت ولی‌امرالله این مرحله را چنین تصویر فرموده‌اند: "چنین بحرانی را که در حیات نظام اجتماعی بشری به وجود آمده می‌توان به مراحل اخیره تکامل جمهوری بزرگ امریکا تشبیه کرد که حکومت متحده‌ای را به صورت فدرال بوجود آورد و میتوان گفت که آغاز دوران بلوغ ملت امریکا وقتی بود که مردمش عواطف ملی جدیدی یافتند و نوعی تمدن تازه به وجود آوردند که بی‌نهایت غنی‌تر و والاتر از آن بود که هر یک از ولایات متحده به تنهایی می‌توانستند به تحققش امیدوار باشند. پس میتوان گفت که در محدوده مرزهای این کشور، تشکیل چنان حکومتی به منزله نقطه اوج در سلسله مراتب حکومت بشری بوده است، زیرا سبب شد که عناصر مخالف و پراکنده یک جامعه منقسم را در نظامی مرتبط و متشکل با هم تلفیق دهد و امتزاج بخشد." (ترجمه نظم جهانی، ص ۱۰۴) و نیز اضافه فرموده‌اند که "وحدت نوع بشر به نحوی که حضرت بهاءالله مقرر فرموده مستلزم آن است که يك جامعه مشترک‌المنافع جهانی تشکیل یابد که در آن تمام ملل و نژادها و ادیان و طبقات کاملاً و پیوسته متحد گشته و در عین

حال استقلال دول عضو و آزادی و ابتکار اعضاء مرکبهاش تماماً و یقیناً محفوظ مانده باشد." (نظم جهانی، صص ۱۶۵-۱۶۷)

با توجه به این بیان مبارک و ادامه آن معلوم می‌شود که در این مرحله تمام تمام کشورها با حفظ حقوق مساوی تابع یک حکومت مرکزی جهانی خواهند بود و یک وطن محسوب خواهند شد. در عین حال دولتهای تابع این حکومت مرکزی از استقلال داخلی و تنوع بسیار برخوردار خواهند بود. از جمله به تفاوت زبانهای مادری و تفاوت نژادها اشاره فرموده‌اند، اما در کنار این تنوعها جنبه‌های یکسان و یگانه‌ای را نیز ذکر فرموده‌اند، از جمله یک دین عمومی، یا نظام پول و اوزان و مقادیر واحد.

این مرحله مشابه مرحله دیگری در تشکیل ایالات متحده آمریکا است که به دنبال آشوبهای ناشی از نبودن یک حکومت مرکزی مقتدر، در سال ۱۷۸۷ مجلس مؤسسانی تشکیل شد و قانون اساسی جدیدی وضع نمود که بر اساس اعتقاد به وحدت و یگانگی مردم تمام ایالات متحد قرار داشت. این قانون به تصویب یک کشورهای متحد رسید و در سال ۱۷۸۸ حکومت جدید با رئیس جمهوری، رئیس دستگاه مجریه و سناتورها و نمایندگان کنگره و دادگاه عالی پدید آمد و ایالات مختلف در عین حفظ استقلال داخلی خود به شکل یک کشور متحد درآمدند. البته هنوز عده‌ای خواهان جدایی کشورها بودند و اتحاد به وجود آمده سست و ضعیف بود، به طوری که بالاخره در سالهای ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۵ به جنگهای انفصال انجامید، اما به هر حال ایالات متحده آمریکا در همان زمان شکل اصلی خود را به عنوان یک کشور واحد به دست آورده بود و آنچه بعدها اتفاق افتاد افزایش وحدت و استحکام آن بود. (کلیات تاریخ ولز، ص ۱۰۶۶)

اگرچه مرحله وحدت اوطان آخرین مرحله در سیر نوع انسان به سوی وحدت نخواهد بود، از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا از نظر ساختار حکومتی کامل‌ترین شکل اتحاد است.

۳- وحدت اصلیه

وحدت اصلیه که آخرین مرحله سیر تکاملی وحدت عالم انسانی در این دور مبارک است، اگرچه از نظر ساختار حکومتی تفاوتی با مرحله قبل نباید داشته باشد، از نظر روحانی بسیار مهم است و در آثار مبارکه تحت عنوان صلح اعظم و وحدت غایی قلوب به آن اشاره شده است.^۳ چنانکه در سخنان جناب نخجوانی خواندیم اصطلاحی که حضرت ولی امرالله در زبان انگلیسی برای این مرحله به کار برده اند fusion است که به معنای هم‌جوشی و امتزاج می‌باشد. این اصطلاح در علم فیزیک در مورد ادغام هسته اتم‌ها و ایجاد هسته یک اتم جدید به کار می‌رود که موجب رها شدن مقدار زیادی انرژی هسته‌ای می‌گردد و پدیده‌ای کاملاً متفاوت با ترکیب اتم‌ها در یک مولکول است، همچنانکه وحدت اصلیه مرحله‌ای کاملاً متفاوت با مرحله وحدت اوطان خواهد بود و قوای روحانی بسیاری آزاد خواهد کرد که در تکامل نوع انسان و استقرار تمدنی الهی به کار خواهد رفت.

حضرت ولی امرالله در تجلیل این مرحله نهائی همبستگی همه نژادها، اجناس و طبقات مختلف ملل (آیین فراگیر جهانی، ص ۱۸۵) چنین می‌فرمایند:

"... این امتزاج (امتزاج نهائی تمام اجناس و مذاهب و طبقات و ملل) نیز نظم بدیع جهانی حضرتش را باید اعلام دارد. آن وقت است که دوره بلوغ تمام نوع انسانی اعلام و تمام ملل و نحل ارض آن را جشن خواهند گرفت. آن وقت است که علم صلح اعظم برافراشته خواهد شد. آن وقت است که سلطنت جهانی حضرت بهاءالله، مؤسس ملکوت اب آسمانی که این پیشگویی فرموده و تمام انبیای الهی چه قبل و چه بعد او نبوت کرده‌اند، شناخته و با شرف و وجد استقبال و با نهایت استحکام استقرار خواهد یافت. آن وقت است که یک مدنیت عالم‌گیر تولد شده و رونق یافته و پایدار خواهد ماند... آن وقت است که کره ارض با ایمان عمومی تمام ساکنین آن به خدای واحد و اطاعتشان به یک ظهور مشترک صیقل یافته... قادر بر تحقق آن سرنوشت غیر قابل وصفی خواهد شد که از اول لاول بر اثر حب و حکمت موجد آن برایش مقرر شده است."

(قد ظهر یوم المیعاد، ص ۱۹۷)

بر اساس این بیان مبارك می‌توان استنباط کرد که اگرچه این مرحله وحدت اصلیه غیر قابل وصف است، اما می‌توان بعضی از وقایع آن را بر شمرد، از جمله امتزاج تمام اجناس، مذاهب، طبقات و ملل و استقرار نظم بدیع و برقراری صلح اعظم و ایجاد يك تمدن جهانی الهی.

اکنون برای اینکه تصوّر روشن‌تری از این مفهوم امتزاج داشته باشیم و جزئیات بیشتری از این سیر تدریجی وحدت عالم انسانی را درک کنیم از بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء در لوح مبارك مشهور به هفت شمع استعانت می‌جویم.

هفت شمع

حضرت عبدالبهاء در این لوح مبارك به حصول وحدت در هفت مورد اشاره فرموده، تأکید و تصریح می‌فرمایند که این هفت شمع قطعاً و بدون هیچ تردیدی افروخته خواهند گشت، قوله الاحلی:

"بارقه صبح این نورانیت عظیمه آثارش از افق عالم نمودار گشته. شمع اول وحدت سیاسی است و جزئی اثری از آن ظاهر گردیده، و شمع دوم وحدت آراء در امور عظیمه است، آن نیز عنقریب اثرش ظاهر گردد، و شمع سوم وحدت آزادیست، آن نیز قطعاً حاصل گردد، و شمع چهارم وحدت دین است، این اصل اساس است و شاهد این وحدت در انجمن عالم به قوت الهیه جلوه نماید، و شمع پنجم وحدت وطنی است، در این قرن این اتحاد و یگانگی نیز به نهایت قوت ظاهر شود و جمیع ملل عالم عاقبت خود را اهل وطن واحد شمارند، و شمع ششم وحدت جنس است، جمیع من علی الارض مانند جنس واحد شوند، و شمع هفتم وحدت لسان است، یعنی لسانی ایجاد گردد که عموم خلق تحصیل آن نمایند و با یکدیگر مکالمه کنند. این امور که ذکر شد جمیعاً قطعی الحصول است، زیرا قوتی ملکوتی مؤید آن."

(منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۳۰)

البته در این بیان مبارك صریحاً ذکر نفرموده‌اند که این هفت شمع هفت مرحله متوالی هستند، اما با توجه به اینکه از اعداد ترتیبی اول تا هفتم استفاده

فرموده‌اند، و همچنین با توجه به اینکه شمع اول را وحدت سیاسی بیان فرموده‌اند و ملاحظه کردیم که وحدت سیاسی به فرموده حضرت ولی‌ام‌الله اولین مرحله اتحاد عالم است، و بالاخره با توجه به اینکه در مورد شمع اول می‌فرمایند "جزئی اثری از آن ظاهر گردیده" و در مورد شمع دوم می‌فرمایند "آن نیز عنقریب اثرش ظاهر گردد" و در پنج مورد بعد چنین فرموده‌اند، می‌توان استنباط کرد که هفت شمع اتحاد هفت مرحله متوالی وحدت هستند که به ترتیب به تحقق خواهند پیوست. به علاوه با توجه به عبارت "جزئی اثری از آن ظاهر گردیده" معلوم می‌شود که هر یک از این مراحل نیز به نوبه خود تدریجی است، نه دفعی. و همچنین معلوم است که آغاز یک مرحله مستلزم پایان مرحله قبل نیست، چون با وجود این که وحدت سیاسی و صلح اصغر هنوز کاملاً به تحقق نپیوسته است اما اثراتی از مراحل دیگر نیز دیده می‌شود، به طوری که در پیام رضوان ۱۵۳ معهد اعلیٰ به "سرعت روزافزون جلوه و ظهور وحدت افکار در اقدامات بین‌المللی" اشاره فرموده‌اند که اثری از شمع دوم است. حال با در نظر داشتن این کلیات می‌کوشیم تا بر اساس هدایات الهیه این هفت مرحله را تا حد امکان بیشتر بشناسیم.

۱- وحدت سیاسی

در این مورد قبلاً سخن گفته شد و معلوم گردید که به معنای عقد انجمن دول عالم و گذاردن مسئله صلح عمومی به میدان مشورت است.

۲- وحدت آراء در امور عظیمه

وحدت آراء در امور عظیمه، یا به عبارتی دیگر "وحدت افکار در اقدامات بین‌المللی" که معهد اعلیٰ اجتماع سران دول مانند کنفرانس‌های کپنهاک و پکن را نشانه‌ای از آن معرفی فرموده‌اند، منطقیاً به دنبال وحدت سیاسی باید حاصل شود، زیرا وحدت افکار و اتفاق آراء نتیجه مشورت است و جز از طریق مشورت ممکن نیست که عقاید و افکار متفاوت و حتی متضاد به عقیده‌ای واحد تبدیل شوند. در توضیح این مطلب در بیانیه رفاه عالم انسانی چنین آمده است:

"هدف مشورت عبارت است از نیل به وحدت نظر راجع به حقیقت در مورد موضوع مورد مطالعه و اختیار عاقلانه‌ترین راه حل از بین طرق ممکن در زمان مورد نظر. آنچه حضرت بهاءالله بدان دعوت می‌فرمایند يك جریان مشورتی است که افراد شرکت‌کننده در آن کوشش نمایند تا از نقاط نظر شخصی‌شان فراتر روند تا بتوانند به عنوان اعضای يك هيكل که خودبه‌خود دارای علائق و اهداف مخصوص است عمل نمایند..." (بیانیه رفاه عالم انسانی، ص ۸)

این وحدت آراء کافی نیست که در سطح دولتها باقی بماند، بلکه به فرموده حضرت عبداله‌بهاء باید آن را "کل سگان ارض" مقدس شمارند (رساله مدنیه، ص ۷۶)، زیرا مسئله مسئله وحدت عالم انسانی است، نه وحدت گروهی از نخبگان، پس وحدت آراء نیز وحدت آراء عموم افراد نوع انسان خواهد بود، نه فقط نمایندگان دولتها که در انجمن شرکت دارند. بنابر این ادامه سیر نوع بشر در مراحل تدریجی وحدت مستلزم این وحدت افکار و آراء در سطح عموم افراد نوع انسان خواهد بود تا همه فعلاً نه در این حرکت شرکت یابند.

۳- وحدت آزادی

شمع دوم، که به معنی اتفاق آراء همه افراد انسان در مسائل مهم بین‌المللی است، شمع سوم را، که وحدت آزادی است، روشن خواهد نمود، چون وحدت آزادی، یا به عبارت دیگر برخورداری همه افراد از آزادی‌های یکسان، به معنای برقراری حقوق بشر و عدالت اجتماعی است که نتیجه وحدت آراء نوع انسان در اثر مشورت خواهد بود، زیرا مستلزم وضع قوانین و استقرار ترتیباتی است که به نفع همه افراد و مورد تأیید ایشان باشد. در بیانیه رفاه عالم انسانی این موضوع چنین تشریح شده است:

"تنها در آن نظام و فضای مشورتی، که وجدان و آگاهی درونی به وحدت نوع انسان به صورت يك نوع واحد و منسجم می‌تواند ایجاد نمود، است که تمام جنبه‌های حقوق بشر امکان ظهور و بروزی مشروع و خلاق را می‌یابند." (بیانیه رفاه عالم انسانی، ص ۶)

به دنبال این قسمت، به آزادی‌ها و حقوق ذیل اشاره شده است: آزادی تحقیق در باره هدف وجود و هستی، تعلیم و تربیت عمومی، آزادی در تغییر مکان، دسترسی به اطلاعات و فرصت مشارکت در حیات سیاسی، آزادی فکر و اعتقاد، مشتمل بر آزادی دینی، حق حفظ عقائد و اظهار آن عقائد در مواقع مقتضی، امنیت خانه و خانواده، حق مالکیت و حق حفظ زندگی خصوصی. همچنین بیت‌العدل اعظم استقلال تدریجی ملل عالم را نشانه‌ای از وحدت آزادی می‌دانند که بدون آن تحقق وحدت عالم انسانی ممکن نخواهد بود (Lights of Guidance, no. 868).

این آزادی‌ها آزادی‌های اساسی است که باید برای عموم افراد انسان به طور یکسان فراهم باشد تا مراحل بعدی وحدت عالم انسانی تحقق یابد و از آن میان آزادی دینی اهمیت خاصی می‌یابد.

۴- وحدت دینی

وحدت دینی به معنای ایمان آوردن عموم افراد نوع بشر به معتقدات ایمانی مشترک است که مرحله‌ای اساسی محسوب می‌شود، زیرا شرط لازم برای ایجاد روحانیتی است که برای استقرار صلح اعظم ضرورت دارد. حضرت بهاء‌الله در لوح مبارک خطاب به ملکه ویکتوریا می‌فرمایند: "فَانظُرُوا الْعَالَمَ كَهَيْكَلِ إِنْسَانٍ إِنَّهُ خَلِقَ صَحِيحاً كَامِلاً فَأَعْتَرَتْهُ الْأَمْرَاضُ بِالْأَسْبَابِ الْمَخْتَلِفَةِ الْمَتَغَيِّرَةِ ... وَ الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ الدَّرِيَاقَ الْأَعْظَمَ وَ السَّبَبَ الْأَتَمَّ لِصِحَّتِهِ هُوَ اتِّحَادُ مَنْ عَلَى الْأَرْضِ عَلَى أَمْرِ وَاحِدٍ وَ شَرِيعَةٍ وَاحِدَةٍ" (کتاب مبین، صص ۶۲ و ۶۳) و البته شکی نیست که این شریعت واحد، مفهوم دین‌الله در این دور جدید است. حضرت ولی‌امرالله در این باره تأکید می‌فرمایند که "تنها با ایمان به مبانی دیانت وی تمام ملل می‌توانند و عاقبت مجبورند نجات حقیقی خود را بجویند" (قد ظهر یوم المیعاد، ص ۱۷۶).

همان طور که هر مرحله از مراحل اتحاد را تا کنون نتیجه مرحله قبل از خود دانستیم، وحدت دینی را نیز می‌توان نتیجه وحدت آزادی دانست، زیرا از جمله آزادی‌های اساسی، آزادی دین و آزادی بیان عقیده و حق حفظ عقائد و زندگی خصوصی و آزادی دسترسی به اطلاعات است که وقتی تحقق یابند و مردم از مبانی و تعالیم امر مبارک بدون ترس و استیحا ش اطلاع حاصل کنند، حتماً به

آن اصول ایمان خواهند آورد.^۴ حضرت بهاء‌الله در این باره می‌فرماید: "حال اگر دولتی ملاحظه نماید اکثری از اهل مملکتش خرق حجاب نموده‌اند و به افق ظهور الهی اقبال کرده‌اند، ساکت شود و آنچه گفته شود، بشنود و هر نفسی به اصغاء فائز شد، به عرفان حقّ جلّ جلاله فائز است، مگر نفسی که بالمره از رحمت الهی دورند و به استحقاق کامل سزاوار بطش و غضب. آن نفوس در هر حال محروم و ممنوعند" (ادعیه محبوب، ص ۳۸۸).

پس از طی این مرحله، پیمودن مراحل باقی‌مانده باید با سهولت بیشتری صورت گیرد، چون با ایمان اهل عالم به امر جمال قدم و تبعیت آنان از بیت‌العدل اعظم الهی موانع اساسی برطرف خواهد شد، چنانکه حضرت عبدالبهاء وحدت دینی را "اصل اساس" توصیف فرموده‌اند.

۵- وحدت وطنی

در باره این مرحله قبلاً سخن رفت. وحدت وطنی را نیز می‌توان حاصل مرحله قبلی، یعنی وحدت دینی، دانست، زیرا مؤمن شدن اکثریت قریب به اتفاق مردم جهان به تعالیم امر مبارک به معنای اعتقاد آنان به يك وطن بودن عالم و پذیرش تابعیت جهانی در اثر تعلیمات جمال قدم است. البته این مرحله نیز مانند سایر مراحل تدریجی خواهد بود و ممکن است قبل از اكمال مرحله قبل آغاز شود، یعنی ممکن است که قبل از ایمان آوردن همه اهل عالم به مبانی تعالیم حضرت بهاء‌الله يك حکومت جهانی تشکیل شود که به تدریج جای خود را به حکومت جهانی منبعث از تعالیم بهائی بسپارد.^۵

۶- وحدت جنسی

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید:

"فی الحقیقه عالم انسانی یک خاندان و یک سلاله است. به حسب اختلاف مناطق به مرور دهور الوان مختلف شد ... اما فی الحقیقه نوع بشر یک جنس است" (لوح مستر مکسول، آهنگ بدیع).

پس می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت‌های اساسی نژادهای مختلف همه جنبه فرعی و ثانوی دارد و بنابر این می‌تواند از بین برود. حضرت عبدالبهاء در کتاب *مفاوضات* در این باره می‌فرماید: "...کل دین واحد و مذهب واحد و جنس واحد و قوم واحد شوند و در وطن واحد که کره ارض است، ساکن گردند." (*مفاوضات*، ص ۵۱) و حضرت ولی‌امرالله در توقیع منیع قدر ظهر یوم المیعاد "جنس واحد" را در این بیان مبارک چنین ترجمه فرموده‌اند که "All men will be blended into one race (p. 126 The Promised Day is Come,). "blend" به معنای مخلوط کردن و ادغام کردن و ترکیب کردن است، پس می‌توان چنین استنباط کرد که در اثر آمیزش نژادهای مختلف به تدریج تفاوت‌های عمده این نژادها از میان خواهد رفت و نوع بشر به جنس واحد تبدیل خواهد گشت.

این مرحله را نیز می‌توان نتیجه مرحله قبل، یعنی وحدت اوطان، دانست، زیرا وقتی عالم به صورت یک وطن درآید، ارتباط افراد بشر و نقل مکان از محلی به محل دیگر آسان می‌شود و امکان آمیزش نژادهای مختلف افزایش می‌یابد، به خصوص که در امر مبارک ازدواج با کسی که نسبت هرچه دورتری دارد همواره تشویق و توصیه شده و می‌شود تا هم نسل سالم‌تر و زیباتری به وجود آید و هم بر الفت و اتحاد خانواده‌های مختلف بیافزاید.

وحدت جنسی را می‌توان یکی از مصادیق کلمه "امتزاج یا fusion" دانست که حضرت ولی‌امرالله در مورد مرحله وحدت اصلیه به کار برده‌اند. به این ترتیب شمع ششم (و هفتم که اکنون به آن توجه خواهیم نمود) می‌تواند ما را در ایجاد تصوّر کاملتری از مرحله وحدت اصلیه که قبلاً مختصراً به آن اشاره شد، یاری نماید.

۷- وحدت لسان

حضرت بهاءالله در لوح مبارک بشارات می‌فرمایند، قوله تعالی:

"بشارت سوم تعلیم السن مختلفه است. از قبل از قلم اعلیٰ این حکم جاری. حضرات ملوک ایدهم الله و یا وزرای ارض مشورت نمایند و یک لسان از السن موجوده و یا لسان جدیدی مقرر دارند و در مدارس عالم اطفال را به آن تعلیم دهند و همچنین خط. در این صورت ارض قطعۀ واحده مشاهده شود." (مجموعۀ الواح بعد از کتاب اقدس، ص ۱۱)

و در کتاب مستطاب اقدس اختیار یک زبان و خط بین المللی را از علائم بلوغ عالم بیان فرموده اند (کتاب مستطاب اقدس، بند ۱۸۹). چنان که در مبحث وحدت اوطان در بیان مبارک حضرت ولی امرالله زیارت کردیم، یکی از مشخصات آن مرحله انتخاب یک زبان بین المللی علاوه بر زبان های مادری بود، اما وحدت زبان مرحله دیگری هم خواهد داشت و آن جانشین شدن زبان بین المللی به جای همه زبان های مادری است. جمال مبارک در کلمات فردوسیة در این باره می فرمایند، قوله الاعز: "از قبل فرمودیم تکلم به دو لسان مقدر شد و باید جهد شود تا به یکی منتهی گردد و هم چنین خطوط عالم تا عمرهای مردم در تحصیل السن مختلفه ضایع نشود و باطل نگردد و جمیع ارض مدینه واحده و قطعۀ واحده مشاهده شود." (مجموعۀ الواح بعد از کتاب اقدس، ص ۳۷، ورقۀ هشتم از فردوس اعلیٰ). این مرحله که به فرمودۀ بیت العدل اعظم در آیندۀ دور به تحقق خواهد پیوست (حواشی کتاب اقدس، یادداشت ۱۹۳)، نتیجۀ منطقی مرحله قبل یعنی وحدت جنسی است، زیرا با امتزاج نژادها و اقوام مختلف زبان مادری مفهوم خود را از دست خواهد داد، زیرا هر فرد ممکن است از چندین قوم و نژاد باشد، و این مصداق دیگری از امتزاج است.

وحدت لسان آخرین مرحله سیر تدریجی وحدت عالم انسانی است که در دور بهائی تحقق خواهد یافت و این خود آغاز دورانی جدید در تکامل افراد نوع انسان خواهد بود. وقتی با طی این مراحل نظم بدیع به کمال جلوه گر شود و صلح اعظم تحقق یابد، نتایج و آثاری فوق تصور به بار خواهد آمد. حضرت ولی امرالله در توقیع منیع تولد مدنیت جهانی در این باره بیاناتی می فرمایند که آن را مسک الختام این فصل قرار می دهیم:

"صلح اعظم به نحوی که حضرت بهاءالله مقرر فرموده صلحی است که عملاً باید متعاقب زمانی تحقق یابد که جنبه‌های روحانی و معنوی بر جهان غلبه یافته باشد، یعنی زمانی که جمیع نژادها و مذاهب و طبقات و ملل در هم ادغام شده باشند و چنین صلحی بر هیچ اساسی مرتفع نگردد و هیچ دستگاہی آن را حفظ نتواند مگر آن که بر پایه احکام و قوانین الهی استوار باشد... آئین بهائی را باید مظهر آخرین و عالی‌ترین مرحله تکامل عظیم حیات اجتماعی بشری در کره زمین دانست. پیدایش یک جامعه جهانی و اعتقاد وجدانی به یک وطن بودن عالم و تأسیس مدنیت و فرهنگ جهانی که باید با اولین مراحل عصر ذہبی دور بهائی مقارن باشد، هرچند از لحاظ اجتماعی بالاترین حد پیشرفت در سازمان‌یافتن جامعه بشری محسوب می‌شود، اما یقیناً ترقی بشر از لحاظ انفرادی بر اثر تحقق آن جامعه جهانی متوقف نخواهد شد و الی غیر النہایه به پیشرفت و تقدم ادامه خواهد داد." (نظم جهانی، صص ۱۰۰-۱۰۲).

مفهوم وحدت در کثرت

اکنون به سؤالی که در مقدمه مطرح شد برمی‌گردیم که "وحدت در کثرت" یعنی چه؟ آیا باید همه کثرت‌های موجود باقی بمانند یا لااقل بعضی از آنها از میان برداشته شوند؟ آیا میان بیان مبارک حضرت عبدالبهاء که می‌فرمایند "اکل دین واحد و مذهب واحد و جنس واحد و قوم واحد شوند و در وطن واحد که کره ارض است ساکن گردند" و بیان مبارک حضرت ولی‌امرالله که می‌فرمایند "آئین بهائی... هر نوع تلاش برای یکنواختی و همانندی را رد می‌کند" تناقضی وجود ندارد؟

در این فصل می‌کوشیم تا با توجه به مطالبی که تا کنون ذکر شد و به استناد برخی از بیانات مبارکه برای این سؤال پاسخی در حد توان خود بیاوریم.

۱- وحدت در اصول، کثرت در فروع

با توجه به لوح مبارک "هفت شمع" که در آن حضرت عبدالبهاء وحدت را در هفت زمینه سیاست، آراء در امور عظیمه، آزادی، دین، وطن، جنس و لسان پیش‌بینی فرموده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که در سایر زمینه‌ها کثرت‌ها از میان نخواهد رفت.

همچنین در لوح لاهه می‌فرمایند: "تفاوت و تنوع افکار و اشکال و آراء و طبائع و اخلاق عالم انسانی چون در ظلّ قوه واحد و نفوذ کلمه وحدانیت باشد، در نهایت عظمت و جمال و علویت و کمال ظاهر و آشکار شود" (لوح لاهه، منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۲۸۱). در این بیان مبارک به کثرت و تنوع در زمینه "افکار و اشکال و آراء و طبائع و اخلاق" تصریح فرموده‌اند. پس می‌توان تصور کرد که جهان آینده جهانی خواهد بود دارای اجزائی بسیار متنوع و متفاوت، مگر از هفت جنبه مذکور.

جناب دکتر داودی در نوار صوتی وحدت در کثرت توضیحاتی ضبط کرده اند که این مفهوم را روشن‌تر می‌سازد. ایشان توضیح میدهند که مفاهیم اجتماع و ارتباط و اتحاد و وحدت با هم تفاوت دارند. ارتباط اجتماعی است که اعضاء آن به وسیله عاملی بیرونی به هم مربوط شده باشند، اتحاد ارتباطی است که توسط عاملی درونی استحکام یافته باشد، و بالاخره وحدت اتحادی است که جهات یگانگی بر جهات چندگانگی غلبه یافته باشند. برای مثال، امروز کشورهای مختلف با هم ارتباط دارند (ارتباط سیاسی، اقتصادی، علمی، ...) اما همه با هم متحد نیستند، چون ارتباطشان بر حسب ضرورتها و عوامل خارجی است، نه درونی و با میل و رغبت. اما بعضی از کشورها ممکن است از جنبه‌ای متحد شوند و از آن جهت به میل خود هماهنگی و یگانگی یابند. در این گونه موارد کشورها از لحاظ جنبه‌های دیگر با هم اختلافات زیادی دارند و بنابر این به وحدت دست نیافته‌اند. ولی ایالات متحده آمریکا به وحدت رسیده‌اند، چون تفاوت‌هایشان تحت الشعاع هماهنگی‌هایشان قرار گرفته‌است و جنبه فرعی و ثانوی دارد. بنابر این وحدت به معنای از بین رفتن تمام تفاوتها و تنوع‌ها نیست، بلکه به معنای افزایش یافتن یگانگی‌ها است تا حدی که بر چندگانگی‌ها غلبه کند.

۲- وحدت ارگانیک

در آثار مبارکه تشبیه عالم انسانی به هیكل انسان بارها و بارها به کار رفته است، چنانکه حضرت بهاء الله می‌فرمایند: "فانظروا العالم کهیکل انسان" (لوح ملکه ویکتوریا، الواح نازله خطاب به ملوک و رؤسای ارض، ص ۱۳۴). در هیكل انسان

که موجود واحدی محسوب می‌شود، اعضاء و اجزاء متنوع و متفاوتی وجود دارد که این تفاوت آنها نه تنها مانع وحدت نیست، بلکه ضامن آن است. همین تنوع ساختمان و وظیفه اعضاء مختلف بدن و همکاری آنها با هم است که موجب حیات و بقای بدن انسان می‌شود، چون بدیهی است که اگر بدن از سلولهای کاملاً یکسانی تشکیل شده بود، نمی‌توانست به حیات خود ادامه دهد. پس معنای دیگر وحدت در کثرت آن است که نوع انسان مثل يك موجود زنده است که از اجزاء متنوع، اما هماهنگی، تشکیل شده است و باید هر يك از اجزاء وظیفه خاص خود را انجام دهد تا کل موجود زنده بماند. در بیانیه رفاه عالم انسانی این موضوع چنین تشریح شده است:

"طرق عمل آدمی که طبیعت زیست‌شناختی وی مشخص می‌سازد، نمایان‌گر اصول اساسی هستی است. اهمّ این اصول اصل وحدت در کثرت است. در اینجا ضدین جمع می‌شوند تا تحقق کامل استعدادات متمایزه مکنونه در هر يك از اجزاء تشکیل دهنده این کل را ممکن سازند و این ضدین از طرفی عبارتند از کمال و پیچیدگی نظم موجود در هیکل آدمی و از طرف دیگر تمامیت و یکپارچگی محضی که در هر يك از اجزاء و سلولهای این هیکل وجود دارد. هیچ سلولی جدا از این هیکل قادر به ادامه حیات نیست، چه از آن جهت که بخواهد در اعمال آن هیکل مشارکت نماید و یا آن که بخواهد سهم خود را از سعادت کل آن هیکل به دست آرد." (بیانیه رفاه عالم انسانی)

اما این که این سلولها و اعضاء در هیکل عالم انسانی چه هستند، با توجه به آنچه در فصل قبل ملاحظه شد، می‌توان گفت که مذاهب و ملل و اقوام و نژادها و طبقات مختلف نیستند، بلکه بر اساس آنچه از نظم بدیع می‌دانیم باید افراد و جوامع محلی و مؤسّسات محلی و ملیّ و بین‌المللی باشند که اجزاء دنیای فردا خواهند بود.^۷

۳- شمول کثرت‌ها در ضمن وحدتی متعالی‌تر

همان طور که در سیر تکاملی وحدت از آغاز تاکنون دیده می‌شود، هرگز مرحله جدیدی از وحدت به معنای نابودی کثرت‌های مرحله قبل نبوده‌است، چنانکه با

تشکیل خانواده انسان فردیت خود را از دست نداد، با ایجاد قبائل خانواده از میان نرفت، تأسیس شهرها قبائل را نابود نکرد و برقراری حکومت‌های ملی شهرها را از بین نبرد. به همین ترتیب هم با برقراری وحدت عالم انسانی هیچ يك از این اجزاء محو و نابود نخواهند شد. پذیرش تابعیت جهانی به معنای بی‌علاقگی به کشورها نیست و ایمان آوردن به امر بهائی به معنای سلب ایمان نسبت به ادیان قبل نمی‌باشد. حضرت ولی‌ام‌الله در توضیح این مطلب چنین می‌فرماید:

"امر بهائی به فکر وسیع‌تری دعوت می‌کند که البته با افکار کوچکتر تضادی نداشته و نباید داشته باشد و حبّی را در دل می‌نشانند که نظر به توسعه آن نباید فاقد، بلکه باید واجد و متضمّن حبّ وطن باشد و به وسیله این علاقه‌ای که تلقین می‌کند و بذر حبّی که در دل می‌نشانند، یگانه اساسی را پایه می‌نهد که بر آن فکر اهلیت جهانی ممکن است نمو کرده و بنای وحدت عالم انسانی بر آن استقرار یابد. مع ذلك امر بهائی تأکید می‌کند در این که نظریات ملی و منافع خصوصی باید تابع حوائج ضروریّه عالیّه جامعه انسانیت گردد" (قد ظهر یوم المیعاد، ص ۱۹۴)

به این ترتیب معنای دیگر وحدت در کثرت می‌تواند این باشد که وحدت حاصله کثرت‌ها را در بر می‌گیرد و آنها را به صورت اجزاء خود در می‌آورد، نه این که آنها را نابود سازد. برای مثال وقتی فردی مسیحی بهائی می‌شود، ایمان خود را به دیانت حضرت مسیح از دست نمی‌دهد، بلکه در ضمن حفظ آن به مظاهر مقدسه دیگری نیز ایمان می‌آورد، پس وحدت ادیان به معنای از میان رفتن ادیان سابقه نیست.

۴- سهم مساوی کثرت‌ها در تحقق وحدت نهائی

وحدتی که مورد نظر امر مبارک است، برآیند همه کثرت‌هاست، نه غلبه یکی از آنها بر دیگران. وحدت سیاسی پیمانی است با توافق همه کشورها و به سود همه آنها، نه این که ابرقدرتی با توجه به منافع خود شرایط معاهده‌ای را بر دیگر کشورها تحمیل کند. به همین ترتیب وحدت اوطان به معنای ایجاد حکومتی منتخب هم ملت‌هاست، نه حکومت يك ملت بر سایر ملل؛ وحدت جنسی امتزاج

همه اجناس است، نه بقای یکی و فنای دیگران؛ وحدت ادیان به معنای پذیرش اساس الهی جمیع ادیان است، نه فقط یک دین خاص. در بیانیه رفاه عالم انسانی در توضیح این مطلب چنین آمده است:

"همانند وظیفه‌ای که ژن به عنوان عامل انتقال کلیه صفات ارثی در حیات زیست‌شناختی انسان و محیطش ایفا می‌نماید، غنای سرشار ناشی از تنوع فرهنگی که از ممر هزاران سال به دست آمده است، برای رشد اجتماعی و اقتصادی نوع انسان که مقتضیات جمعی عصر خود را تجربه می‌نماید حیاتی است. این اصل میراثی را در اختیار می‌گذارد که باید فرصت یابد تا اثمار خود را در تمدن جهانی به بار آورد. از طرفی بروزات فرهنگی باید از اختناق ناشی از نفوذ مادیت که امروز مسلط است، حفظ شود و از طرف دیگر فرهنگ‌ها باید بتوانند در قوالب جدید و تغییر یافته تمدن، فارغ از فریب‌کاری به قصد دستیابی به غایت غرض‌آلود سیاسی به تعامل و داد و ستد پردازند."

پس معنای دیگر وحدت در کثرت تعامل کثرت‌ها برای تحقق وحدت نهائی است.

۵- همگنی از طریق افزایش ناهمگنی

وحدت مورد نظر امر بهائی حتی در زمینه "هفت شمع" هم، یکنواختی و همانندی نیست، بلکه به تعبیری می‌توان گفت افزایش تنوع‌ها است، اما به طوری که تقسیم جامعه به دسته‌های متعدد را غیرممکن سازد، چنان که بیت‌العدل اعظم الهی استقلال یافتن کشورهای مختلف و فروپاشی دسته‌بندی‌های قدیمی کشورها را که در حقیقت افزایش کثرت است، نشانه امیدبخشی از قرب وقوع صلح اصغر یا وحدت سیاسی کشورها می‌دانند (وعده صلح جهانی، ص ۲)، چون در این صورت همه کشورها موقعیت برابری می‌یابند و "حب و بغض"ها به حداقل می‌رسند. به همین ترتیب می‌توان گفت که وحدت دینی که به معنای ایمان و پذیرفتن تعالیم حضرت بهاء‌الله است، به یکنواختی از نظر دینی تعبیر نمی‌شود، چون اصل آزادی استنباط‌های شخصی موجب می‌شود که افراد در حالی که متوجه و معتقد به وجود معتقداتی مشترک در جهان هستند در اتخاذ اعتقادات قلبی و وجدانی آزاد باشند. همچنین وحدت جنسی که حاصل آمیزش نژادهای مختلف است، افرادی با

خصوصیات کاملاً یکسان به وجود نخواهد آورد، بلکه تنوع رنگ پوست و مو و سایر خصوصیات ژنتیکی افزایش خواهد یافت. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که یکی از معانی وحدت در کثرت افزایش کثرت‌ها به منظور تجلی وحدت است.

۶- وحدت در کثرت از جنبه اعتقادی

آنچه در پنج قسمت فوق به آن اشاره شد ناظر به جنبه عملی وحدت در کثرت بود. از جنبه اعتقادی، همانطور که قبلاً به آن اشاره شد، وحدت در کثرت یعنی اینکه همه انسان‌ها صرف نظر از دین، نژاد، قوم، ملت، زبان، طبقه و سایر تفاوت‌های خود با هم برابر و برادرند و نباید به تفاوت‌های خود ناظر باشند، بلکه باید به این حقیقت نظر کنند که همه انسان و بنده خداوندند و الطاف الهی شامل همه آنهاست و هیچ کس نباید خود را برتر از دیگران بداند، چنانکه حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

"چه بسیار انسان در بدایت حال نفس زکی بوده، بعد منصرف از آن شده، نظیر یهودای اسخریوطی در بدایت بسیار خوب و در نهایت بسیار بد شد. و چه بسیار که در بدایت بسیار بد است و در نهایت بسیار خوب، مثل پولس حواری که در بدایت دشمن مسیح و در نهایت اعظم بنده مسیح. پس عاقبت حال انسان مجهول است. در این صورت چگونه می‌تواند خود را ترجیح بر دیگری دهد؟ لهذا باید که در بین بشر ابداً تعصبی نباشد. نگویید من مؤمنم و فلان کافر. نگویید من مقرب درگاه کبریا هستم و آن مردود، زیرا حسن خاتمه مجهول است." (خطابات، ج ۱، ص ۶۶)

البته چنین اعتقادی است که می‌تواند تعصبات را زائل کند و منجر به ظهور انصاف در عالم انسانی شود و راه را برای تحقق وحدت عالم انسانی که نتیجه جریان صحیح مشورتی در انجمن بنی آدم است هموار سازد. به تعبیر دیگر امتزاج کثرت‌ها و ادغام آنها در وحدتی متعالی منوط به پذیرش همه آن کثرت‌هاست و این زیربنای اعتقادی وحدت عالم انسانی است. بیت‌العدل اعظم الهی در این باره چنین می‌فرمایند:

"علوم مردم‌شناسی و روان‌شناسی و کالبدشناسی انسان را فقط يك نوع می‌دانند. نوع انسان یکی است، هرچند که در جنبه‌های ثانوی تفاوت‌های بی‌شماری داشته باشد ... قبول وحدت عالم انسانی اولین شرط ضروری و اساسی تغییر سازمان جهان و اداره آن به صورت يك کشور است که به منزله وطن نوع انسان است. قبول عمومی این اصل معنوی برای هر کوششی در راه تأسیس صلح جهانی ضرورت دارد." (وعده صلح جهانی، ص ۲۵)

با توجه به آنچه در شش قسمت فوق ملاحظه شد، اکنون شاید بتوان تصویری دقیق‌تر از "وحدت در کثرت" رسم نمود: امتزاج تدریجی همه اجناس و ملل و مذاهب و طبقات، بدون اینکه هیچ يك بر دیگری غلبه یابند، در اثر اعتقاد افراد آنها به اینکه انسان فقط يك نوع است، به گونه‌ای که از این امتزاج افرادی متکثرتر و متنوع‌تر از پیش حاصل شوند که همه اجزای عالم انسانی باشند، نه دسته‌های مختلف، و این اجزا از جهت ارتباط با کل دارای وحدت و از جهت فردی دارای کثرت و تنوع بسیار باشند.

یادداشت‌ها

۱. از جمله در توفیق منبع هدف نظم بدیع جهانی می‌فرمایند: "برای مثال آمریکای شمالی را در نظر می‌گیریم که در ایام پیش از اتحاد ایالات آن با چه اطمینانی در مورد موانع تفوق‌ناپذیری که در راه وحدت نهائی آن قرار داشت اظهار عقیده می‌شد..." (ترجمه) و در توفیق مبارک تولد مدنیت جهانی می‌فرمایند: "چنین بحرانی را که در حیات نظام اجتماعی بشری به وجود آمده می‌توان به مراحل اخیر تکامل جمهوری بزرگ آمریکا تشبیه کرد که حکومت متحده‌ای را به صورت فدرال به وجود آورد..." (ترجمه)

۲. موجبات تحقق یدخلون فی دین‌الله افواجاً، ص ۱۷: بیت‌العدل اعظم الهی می‌فرمایند: "حضرت شوقی افندی به ما فرموده‌اند که دو جریان عظیم در جهان ما در حال تکوین است: یکی نقشه عظیم الهی که دارای پیشرفتی توأم با افتتانات است و با تمامیت کامل در جامعه بشری عمل کرده موانعی را که بر سر راه اتحاد جهان وجود دارد از هم گسسته و بشریت را با آتش ابتلا و افتتان آبدیده ساخته به

هیکلی منفرد و مجسم تبدیل می‌نماید. این جریان در میقات الهی به صلح اصغر و اتحاد سیاسی جهان خواهد انجامید..."

۳. بیت‌العدل اعظم در پیام رضوان ۱۵۲ می‌فرمایند: "... همان دو جریانی که حضرت ولی‌امرالله نیم قرن پیش به آنها اشاره نموده و چنین تصریح فرموده‌اند که جریان اول منجر به وحدت سیاسی ملل و جریان دیگر منتهی به وحدت غایی قلوب در اثر حصول وحدت عقاید خواهد گشت" و در بیان مبارکی که پیشتر زیارت کردیم جریان دوم را منجر به صلح اعظم ذکر فرموده‌اند.

۴. همچنین در مورد این که امرالله چگونه عالم‌گیر می‌شود، جمال قدم خطاب به جناب ورقا فرموده‌اند که عقلای ملل علت جنگ را تعصبات و اعظم تعصبات را تعصب دینی می‌یابند و سعی می‌کنند دین را از میان بردارند، اما می‌بینند بدون دین نمی‌توان زندگی کرد، پس تعالیم ادیان موجوده را مطالعه می‌کنند تا ببینند کدام یک بر طبق مقتضیات زمان است و امر مبارک را انتخاب می‌کنند (مصباح هدایت، ج ۱، ص ۱۶۵). پس وحدت ادیان نتیجه مشورت خواهد بود.

۵. حضرت ولی‌امرالله مراحل استقلال و رسمیت را از وقایع عصر تکوین ذکر فرموده‌اند که تا مرحله بلوغ عالم و وحدت اوطان ادامه خواهد داشت. پس در این مرحله هنوز سلطنت حضرت بهاءالله مستقر نشده‌است.

۶. باید توجه داشت که احتمالاً کلمه "ملی" را در اینجا به مفهومی که امروز به کار می‌رود نباید بدانیم، چون ملت‌ها ادغام خواهند شد. همان طور که می‌دانیم نام اصلی محافل ملی "بیوت عدل خصوصی" خواهد بود که صرفاً مرجعی فوق محافل محلی محسوب می‌شود تا از "تمرکز افراطی" در نظام جهانی جلوگیری شود.

۷. در پیام رضوان ۱۵۳ به سه عامل افراد و مؤسّسات و جامعه در تأسیس نظم بدیع اشاره فرموده‌اند.